



هفت کردار

مروری بر

◆ سیاوش سپهری

نقد نمایش های

هفت کردار

رند خلوت نشین

هتل عروس

پیوند خونی

چهار نمایش

هفت کردار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

هفت کردار

نویسنده، سراینده و کارگردان:

هرمز هدایت

بازیگران: سعید نیک پور، سهراب سلیمی، حسین سحر خیز، فریبا متخصص، فرزانه نشاط خواه، مهران امام بخش، شیوا ابراهیمی و ...
طراح صحنه، ابزار و نور: ناصح کامکاری

آهنگساز: حامد مهاجر

در بروشور نمایش هفت کردار یک رباعی آمده است: جان بر سر دلدار نهادیم به کردار / سر بر سر پندار بدادیم به گفتار / پندار بر این بود که بیگانه زند تیغ / کردار بر این شد که خودی تیغ زند زار

نویسنده، سراینده و کارگردان این نمایش «هرمز هدایت» است و رباعی مذکور چکیده نمایش هفت کردار است، نمایشی که خیانت و خیانت‌پیشه‌گی را رسوای کند و به نیروی منفی نهفته در «قدرت» می‌تازد. نمایشنامه «هفت کردار» دارای کششی دراماتیک است و از صحنه اول که قتلی صورت می‌گیرد، کشمکش‌ها آغاز شده و تا اوج و گره‌گشایی به درستی پیش رفته است. شیوه نگارش متن نمایشنامه، برگرفته از شیوه ارسطویی است و به آثار کلاسیک تئاتر نزدیک است. فقط گاهگاهی زبان نمایش روزمره شده و از آن کلام فاخر عدول می‌کند و این سستی در کلام، متأسفانه کم نیست. متلاً در صحنه درگیری لفظی بین آران و ارغم بانو، این ضعف بیشتر مشهود است. اما این متن دراماتیک با کارگردانی سراسر اشتباه، از دست رفته است. ابتدای نمایش، سازهای ضربی حکایت از جنگی دارند اما حرکات آهسته بازیگران

(جنگاوران) از همان ابتدای کار، انرژی صحنه را از بین می‌برد. این کندی حرکات و بیان‌ها در سرتاسر نمایش پراکنده است. نمایشی که می‌توانست با قدرت و تأثیر فوق‌العاده شروع شود و با همان قدرت ادامه یابد. گویی همچون برنامه‌های تلویزیونی با سکوت‌های بی‌مورد و حرکات کندشده قصد مطول کردن زمان نمایش را داشته‌اند.

بازی‌ها و مخصوصاً بیان بازیگران نقطه‌قوت کار است. سعید نیکپور با حضوری تئاتری روی صحنه چه در بیان و چه در ایست و حرکت‌ها، نشان می‌دهد که یکی از توانمندترین بازیگران آثار کلاسیک است. حسین سحر خیز و سهراب سلیمی هم همچون نیکپور روی صحنه می‌درخشند و مابقی بازیگران هم از نظر ایفای نقششان حضوری قابل قبول دارند، افسوس که این گروه کارکننده و این متن خوب، با میزانشن‌های معمولی جلوه خود را از دست داده است.

نکته دیگر طراحی صحنه نمایش است. ناصح کامکاری، طراحی‌ای به غایت تئاتری ارائه داده است. سکوهای مختلف که دربرگیرنده مکان‌های مختلف نمایش است و درهای ورود و خروج و توری که بیشتر جنبه زیبائشناسانه به ترکیب‌بندی داده است نیز از محاسن کار است اما لباس‌های مشکی بازیگران با



پس زمینه‌های مشکی دکور، حرکات روی صحنه را محو می‌کند. هماهنگی بین طراح لباس و دکور لازمه هر نمایشی است که در این نمایش گویی رخ نداده است.

ز دخالت نشین

نویسنده و کارگردان: پری صابری
طراح صحنه و لباس: خسرو خورشیدی
آهنگساز: رامین آزادآور

پس از ۱۹۶۰ هزینه نمایش‌های نیویورک رو به افزایش نهاد و در نتیجه بهای بلیت‌های برادوی Broadway نیز بالا گرفت. حاصل این افزایش‌ها آن شد که تئاترها برای جلب تماشاگر بیشتر به نمایش‌های موزیکال، کمدی‌های سبک یا نمایشنامه‌هایی که قبلاً امتحان خود را در تئاترهای دیگری داده بودند، روی آوردند. نمایش‌های موزیکال هم چنان، تاکنون، سرزنده‌ترین شکل نمایشی در برادوی است. پری صابری هم با تمسک به این شیوه

شیوه نگارش متن نمایشنامه، برگرفته از شیوه ارسطویی است و به آثار کلاسیک تئاتر نزدیک است. فقط گاهگاهی زبان نمایش روزمره شده و از آن کلام فاخر عدول می‌کند



رند خلوت نشین

دیر زمانی است که در جلب مخاطب و نمایش های مردم پسند، گوی موفقیت را از دیگران ربوده است. نمایش های «من به باغ عرفان»، «هفت شهر عشق»، «بیژن و منیژه»، «رستم و سهراب» و «شمس پرند» هم چون نمایش «رند خلوت نشین» با بهره گیری از رقص و آواز در جذب مخاطب موفق بودند. تابلوهایی که صابری می سازد زیباست، اما آیا کفایت؟ حرکات نمایشی و موزون - در این نمایش - چندان هماهنگ نیستند؛ امکانی که از اصول کار است یا سهل انگاری به اجرا در آمده است. بیان همسر حافظ بیشتر به ضجه شبیه است و اندیشه های کسروی از دهان شاه شجاع شنیده می شود. طراحی صحنه و طراحی کارگردانی حرفه ای و جذاب است و واکنش پیش از نقد حکایت از موفقیت نمایش دارد؛ اما این اجرا ربطی به هنر تئاتر ندارد. نمایشی مردم پسند است که تا سطح سلیق عامه پسند نازل شده است.

مایل است هر دوی آنها را صیغه کند تا خطری متوجه آنها نشود یکی از خانمها، راضی می شود اما دیگری زیر بار نمی رود آن که راضی شده وقتی به نیت پلید مرد بی می برد آب جوشی به صورت مهندس ریخته و به نزد آن یکی می آید و به خاطر این جسارت، هر دو زن درون دخمه ای مدفون می شوند.

نمایشنامه هتل عروس نوشته چیستا یثربی است این نمایشنامه از نمادگرایی متورم است و هر لحظه باید بیاندیشی که نویسنده محترم وقتی چیزی می گوید منظورش چیز دیگری است و اگر این نمادها اساساً شعاری گذرا و بی تحلیل باشند تو فقط در مقابل نفی جامعه ای شعارزده که در چهره مهندس مصداق پیدا می کند دچار شعارزدگی شده ای و خودت مصداق شعاری از سوی مخالف هستی. نقشه ها، همه یک بعدی هستند. مهندس، چرا این طوری است؟ چه سابقه ای دارد؟ اصلاً معلوم نیست واقعا مهندس است؟ مهندس چیست؟

نمادگرایی نمی تواند مانع شخصیت پردازی باشد باید در درون شخصیت های ملموس، نمادها هم حیات داشته باشند. ولی گویا نویسنده اول سبک را انتخاب کرده و بعد دست به قلم برده است. این نمایشنامه بیانیه ای شعاری علیه هم مردان و هم زنان است. مردان این نمایشنامه پست و شهوتران و فرصت طلب هستند و زنان این نمایشنامه؛ ترسو و احمق و توسری خور. جمع مناسبی است اما ربطی به درام و تئاتر ندارد. حتی اجرای سیما تیرانداز با بازی خوب کامبیز دیرباز، و شبنم مقدمی نمی تواند متن نمایش را نجات دهد. سمیرا سینایی با طراحی ایی سنجیده و کاربردی، در کوتاه ترین زمان و تغییراتی اندک بحال و هوای اتاقهای هتل را در گون می کند. اما این حسن هم نمی تواند ضعف های نمایشنامه را بپوشاند. هیچ منطقی در پشت کنش ها وجود ندارد. همانقدر رفتن زن به نزد مهندس بی پایه و اساس است که بازگشتن و آب جوش ریختن اش. یعنی زنی که مطلقه هم هست نمی داند وقتی به صیغه مردی درآمد چه نتایجی در انتظارش است ...

دیر زمانی است که در جلب مخاطب و نمایش های مردم پسند، گوی موفقیت را از دیگران ربوده است. نمایش های «من به باغ عرفان»، «هفت شهر عشق»، «بیژن و منیژه»، «رستم و سهراب» و «شمس پرند» هم چون نمایش «رند خلوت نشین» با بهره گیری از رقص و آواز در جذب مخاطب موفق بودند. تابلوهایی که صابری می سازد زیباست، اما آیا کفایت؟ حرکات نمایشی و موزون - در این نمایش - چندان هماهنگ نیستند؛ امکانی که از اصول کار است یا سهل انگاری به اجرا در آمده است. بیان همسر حافظ بیشتر به ضجه شبیه است و اندیشه های کسروی از دهان شاه شجاع شنیده می شود. طراحی صحنه و طراحی کارگردانی حرفه ای و جذاب است و واکنش پیش از نقد حکایت از موفقیت نمایش دارد؛ اما این اجرا ربطی به هنر تئاتر ندارد. نمایشی مردم پسند است که تا سطح سلیق عامه پسند نازل شده است.

هتل عروس

نویسنده: چیستا یثربی
کارگردان: سیما تیرانداز
طراح صحنه: سمیرا سینایی
بازی: کامبیز دیرباز، شبنم مقدمی، مهسا مهبجور، محمدصادق ملکی

هتل عروس، حکایت مظلومیت زن و پستی و ذنات مرد است. این نمایش یک جنبه نگاشته شده است. یک آقای مهندس به همراه دو زن همکار به شهرستانی آمده اند و می خواهند در هتل عروس اقامت کنند. اما آقای مهندس که ظاهری مذهبی دارد، خیلی نگران خواهران (همان خانمها) است و برای رفع نگرانی

نمایشنامه هتل عروس نوشته چیستا یثربی است این نمایشنامه از نمادگرایی متورم است و هر لحظه باید بیاندیشی که نویسنده محترم وقتی چیزی می گوید منظورش چیز دیگری است

پیوند خونی

نویسنده: آتول فوگارد

کارگردان: ایمان افشاریان

بازیگران: اشکان صادقی، ایمان افشاریان

موسیقی: سینا و سامان آذین

«پیوند خونی» در واقع حکایت زندگی نویسنده است. فوگارد نیز همچون «موریس» یکی از شخصیت‌های نمایش «پیوند خونی» مدتی دور از خانواده بوده است و به گفته خودش، زمانی که برادرش در منزل وی میهمان بوده، چنین موضوعی به ذهنش رسیده است. «پیوند خونی» یا «گروه خون» به پیوند انسانها و همچنین تبعیض انسانها توجه دارد. «پیوند خونی» از برخوردهای خانوادگی دو برادر صحبت می‌کند اما در واقع به فلسفه پیوند انسان‌ها توجه دارد. آیا رنگ پوست انسانی، هم‌خون با انسانی دیگر، می‌تواند وی را پست کند و از ارتباط و دوستی و لذت و عشق محروم گرداند. فوگارد تأکید می‌کند که اینطور است. در شرایط اجتماعی این قرن و با این همه هیاهوی رسانه‌ها در ایجاد تمدن غربی، هنوز رنگین پوستان از حقوق اولیه خود محروم هستند. هنوز مراکز تحصیلی و تفریحی آنان از هم جداست. حتی دوستی بین یک مرد سیاه و زن سفید، مطرود است. هنوز سیاهان، همچون قرن نوزدهم و هجدهم دوران برده‌داری و تبعیض نژادی را حس می‌کنند هر چند این برده‌داری به شکلی نوین درآمده است اما ماهیت آن تغییری نکرده است. هنوز، بر مسندهای سیاسی جهان سفیدپوستان حکم می‌رانند و امکانات رفاهی و فرهنگی بیشتر به نژاد سفید تعلق دارد. هنوز کارهای پست از آن سیاهپوستان است و سفیدها، همچنان ارباب باقی مانده‌اند. هنوز می‌توان تلخی عمیق نهفته در اشعار لنگستن هیوز را از اعماق افریقای سیاه و یا از محله‌های هارلم آمریکا، به وضوح شنید.

این تصویر و این فضا به جامعه امروز ما ارتباطی ندارد و به هیچ عنوان ما معضلی به نام رنگ پوست یا نژادپرستی نداریم. پس، اجرای نمایشنامه‌ای با آن ویژگی‌ها، بر اساس چه نیاز اجتماعی یا هنری در محلی عمومی به اجرا درمی‌آید؟ ایمان افشاریان با

بروشور پیوند خونی

اینکه تلاش خود را کرده و در بازی کردن روی صحنه بهتر از کارگردانی که هم‌به‌عهده خودش است برآمده و ولی واقعاً کاری که فقط در پلاتوهای دانشکده‌های تئاتر ارزش دارد و از نظر اجتماعی، مخاطبی ندارد، چرا باید در یکی از سالنهای مجموعه تئاتر شهر به اجرای عمومی درآید.

هنوز سیاهان، همچون قرن نوزدهم و هجدهم دوران برده‌داری و تبعیض نژادی را حس می‌کنند هر چند این برده‌داری به شکلی نوین درآمده است اما ماهیت آن تغییری نکرده است.



شبنم مقدمی و
محمد صادق ملکی
در نمایش
هتل عروس